حیفا

١٩٢١/١١/١۴

٩[[1]](#footnote-1)١

امریک

عموم احبّای الهی علیهم بهآء اللّه الأبهی

ای یاران الهی عبدالبهآء شب و روز بیاد شما و بذکر شما مشغول زیرا یاران الهی در نزد عبدالبهآء عزیزند و در سحرگاهان تضرّع بملکوت اللّه مینمایم و شما را استفاضه از نفثات روح القدس میطلبم تا شمعهای روشن شوید و بنور هدایت بدرخشید و ظلمت ضلالت را زائل نمائید مطمئن باشید تأییدات ملکوت ابهی پی در پی میرسد شجرهٴ حیات از بهار الهی و ریزش ابر آسمانی و حرارت شمس حقیقت تازه بنای نشو و نما گذاشته عنقریب گل و شکوفه نماید و برگ و بار ببار آرد و بر شرق و غرب سایه اندازد و این شجرهٴ حیات کتاب میثاق است ولی در این ایّام در امریکا بادهای شدیدی بر سراج میثاق احاطه نموده تا این سراج روشن را خاموش کند و این شجرهٴ حیات را از ریشه براندازد بعضی نفوس ضعیفهٴ نوهوس از اهل غرض و بی‌خبر از زلزلهٴ بغض و عداوت متزلزل شده و همّت را گماشتند که عهد و میثاق الهی را محو نمایند و آب صافی را گل‌آلود کنند تا در این گل‌آلودی ماهی صید نمایند بر مرکز میثاق طغیان نموده‌اند بعینه مثل بیانیان که بر جمال مبارک هجوم نمودند هر دمی افترائی زدند و در هر روزی بهانه‌ئی کنند و خفیّاً القای شبهات نمایند تا بکلّی میثاق بهآءاللّه در امریکا محو و نابود گردد

 ای یاران الهی بیدار باشید بیدار باشید هشیار باشید هشیار باشید حضرت باب عهد و میثاق جمال مبارک را از جمیع اهل بیان گرفت که در یوم ظهور من یظهره اللّه و سطوع انوار بهآءاللّه مؤمن و موقن شوند و بخدمت پردازند و اعلاء کلمة اللّه نمایند بعد اهل بیان چون میرزا یحیی و بسیاری اشخاص بر ضدّ جمال مبارک قیام نمودند و انواع مفتریات بربستند و بنفوس القای شبهات کردند و از کتب حضرت باب که جمیع ذکر من یظهره اللّه است استدلال بر بطلان بهآءاللّه مینمودند هر روز رساله‌ئی بر ضدّ بهآءاللّه نوشته انتشار میدادند و مردم را بتشویش و اضطراب میانداختند و بنهایت اذیّت و ظلم بر حضرت بهآءاللّه قیام نمودند و خود را بر عهد حضرت باب ثابت میشمردند تا آنکه انوار عهد حضرت باب آفاق را روشن کرد و جمیع نفوس مؤمنین مخلصین از ظلمات نقض اهل بیان نجات یافتند و مانند شمع روشن برافروختند

 و جمال مبارک در جمیع الواح و رسائل احبّای صادق ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد حضرت باب منع فرمودند که نفسی نزدیکی بآنان نکند زیرا نفسشان مانند سمّ ثعبان میماند فوراً هلاک میکند از جمله در کلمات مکنون میفرماید مصاحبت ابرار را غنیمت دان و از مرافقت اشرار دست و دل هر دو بردار و خطاب باحبّا میفرماید که معلوم آن جناب بوده که زود است شیطان در قمیص انسان در آن ارض وارد شود و اراده نماید که احبّای جمال سبحان را بوساوس نفسیّه و خطوات شیطانیّه از صراط عزّ مستقیمه منحرف سازد و از شاطی قدس سلطان احدیّه محروم نماید اینست از خبرهای مستوره‌ئی که اصفیا را بآن آگاه فرمودیم که مبادا بمجالست آن هیاکل بغضیّه از مقام محمود ممنوع شوند پس بر جمیع احبّآء اللّه لازم که از هر نفسی که رائحهٴ بغضا از جمال عزّ ابهی ادراک نمایند از او احتراز جویند اگرچه بکلّ آیات ناطق شود و بکلّ کتب تمسّک جوید الی ان قال عزّ اسمه پس در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبادا بدام تزویر و حیله گرفتار آیند اینست نصح قلم تقدیر و در خطاب دیگر میفرماید پس از چنین اشخاص اعراض نمودن اقرب طرق مرضات الهی بوده و خواهد بود چه که نفسشان مثل سمّ سرایت‌کننده است و در خطاب دیگر میفرماید ای کاظم چشم از عالمیان بپوش و ماء حیوان عرفان را از غلمان سبحان بنوش و گوش بمزخرفات مظاهر شیطان مده چه که الیوم مظاهر شیطانیّه بر مراصد صراط عزّ احدیّه جالسند و ناس را بکلّ حیل و مکر منع مینمایند و زود است که اعراض اهل بیان را از مظهر رحمان مشاهده نمائی و در خطاب دیگر میفرماید بسیار در حفظ نفوس خود سعی نمایند چه که شیاطین بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و بهر نفسی بطریق او برآیند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود واگذارند و در خطاب دیگر میفرماید هر نفسی که از او غلّ غلام استشمام نمائید از او اعراض کنید اگرچه بزهد اوّلین و آخرین ظاهر شود و یا بعبادت ثقلین قیام نماید و هم‌چنین در خطابی دیگر میفرماید ای مهدی جمیع باین کلمات مطّلع شده از مظاهر سجّینیّه و مطالع نمرودیّه و مشارق فرعونیّه و منابع طاغوتیّه و مغارب جبتیّه اعراض نمایند و هم‌چنین میفرماید قل ان یا احبّائی ثمّ اصفیائی اسمعوا ندآء هذا الحبیب المسجون فی هذا السّجن الکبری ان وجدتم من احد اقلّ من ان یحصی روایح الاعراض فأعرضوا عنه ثمّ اجتنبوه تا آنکه میفرماید لأنّهم مظاهر الشّیطان و در خطابی دیگر میفرماید و بمنظر اکبر ناظر باشید عنقریب روایح منتنهٴ انفس خبیثه بر آن دیار مرور نماید انشآءاللّه در آن ایّام محفوظ مانید در انجیل متّی در فصل ثامن عشر در آیهٴ ششم حضرت مسیح میفرماید و من اعثر احد هؤلآء الصّغار المؤمنین به خیر له ان یعلق فی عنقه حجر الرّحی و یغرق فی لجّة البحر ویل للعالم من العثرات فلا بدّ ان تأتی العثرات ولکن ویل لذلک الانسان الّذی به تأتی العثرة فان اعثرتک یدک او رجلک فاقطعها و القها عنک خیر لک ان تدخل الحیاة اعرج او اقطع من ان تلقی فی النّار الأبدیّة و لک یدان او رجلان و ان اعثرتک عینک فاقلعها فألقها عنک و در اصحاح حادی و العشرون در انجیل متّی در آیۀ ٣٨ میفرماید و امّا الکرّامون لمّا رأوا الابن قالوا فی ما بینهم هذا هو الوارث هلمّوا نقتله و نأخذ میراثه و اخذوه و اخرجوه خارج الکرم و قتلوه و هم‌چنین فی الاصحاح الثّانی و العشرون در آیهٴ چهاردهم میفرماید لأنّ کثیرین یدعون و قلیلین ینتخبون و در آثار مبارک الواح حضرت بهآءاللّه البتّه در هزار موقع مذکور و نفرین بر ناقضین میثاق مینمایند بعضی از آن کلمات آسمانی ذکر میشود

 باری جمیع احبّای امریکا میدانند که مؤسّس این فساد یعنی نقض میثاق نفوسی هستند که جمیع احبّای الهی مقاصد ایشان را میدانند سبحان‌اللّه با وجود این فریب آنان را میخورند الحمد للّه شما بنهایت وضوح میدانید حضرت مسیح بنهایت محبّت و مهربانی بود ولی نفوسی بودند مانند یهوذای اسخریوطی باعمال خودشان از مسیح جدا شدند پس چه ذنبی بر مسیح بود حال ناقضین عنوانی کردند که عبدالبهآء استبداد دارد و نفوسی را اخراج میکند و مانند پاپا محروم مینماید ابداً چنین نیست هر نفسی که جدا شد باعمال و دسایس و وساوس خویش خود را محروم نمود اگر این اعتراض بر عبدالبهآء وارد باید اعتراض بر جمال مبارک نمایند که بصراحت بحکم قاطع احبّا را از معاشرت و الفت با ناقضین از اهل بیان منع فرمود

مناجات

ای ربّ میثاق ای نیّر آفاق عبدالبهای مظلوم در دست نفوسی بظاهر اغنام و بحقیقت گرگان درنده گرفتار گشته هر ظلمی مجرا میدارند و بنیان میثاق را ویران مینمایند و ادّعای بهائی میکنند تیشه بر ریشهٴ شجرهٴ میثاق میزنند و خود را مظلوم میشمرند نظیر بیانیها که میثاق حضرت باب را شکستند و از شش جهت تیر طعن و مفتریات بر هیکل مبارکت زدند و با این ظلم عظیم خود را مظلوم میشمردند حال این عبد آستانت نیز گرفتار ظالمان گشته و در هر ساعتی حیله‌ئی و مکری مینمایند و افترائی میزنند یابهآءالأبهی حصن حصین امرت را از این دزدان محافظه نما و سراجهای ملکوت را از این بادهای مخالف مصون بدار یابهآءالأبهی عبدالبهآء دمی آرام نگرفت تا آنکه امرت را بلند نمود و علم ملکوت ابهی در جمیع آفاق موج زد حال نفوسی چند بدسایس و وساوسی قیام کرده‌اند که این علم مبین در امریک سرنگون گردد ولی امید من بتأییدات تو است مرا فرید و وحید و مظلوم مگذار چنانکه شفاهاً و خطّاً وعدهٴ حتمی فرمودی که این آهوی صحرای محبّتت را از هجوم کلاب بغض و عدوان حفظ میفرمائی و این برّهٴ مظلومت را از چنگ و دندان ذئاب کاسره نجات میبخشی منتظر ظهور عنایات و تحقّق وعد محتوم تو هستم توئی حافظ حقیقی و توئی ربّ المیثاق پس این سراجی را که تو افروختی از این اریاح شدیده حفظ فرما یابهآءالأبهی از جهان و جهانیان گذشتم و از بی‌وفایان دل‌شکسته گشتم و آزرده شده‌ام و در قفس این جهان چون مرغ هراسان بال و پر میزنم و هر روز آرزوی پرواز بملکوتت میکنم یابهآءالأبهی مرا جام فدا بنوشان و نجات بخش و از این بلایا و محن و صدمات و مشقّت آزاد کن توئی معین و نصیر و ظهیر و دست‌گیر

باری بعضی از آثار و مناجات و آیات جمال مبارک که نهی از معاشرت ناقضانست درج میشود در مناجات فارسی میفرماید این عبد را حفظ نما از شبهات نفوسی که اعراض نموده‌اند و از دریای علمت ممنوعند الهی الهی احفظ عبدک بجودک و کرمک من شرّ اعدائک الّذین نقضوا عهدک و میثاقک و در جای دیگر میفرماید ای پروردگار من و مقصود جان من بید قدرت این ضعیف را از نعیق ناعقین حفظ نما (ناعق گوسالهٴ بنی‌اسرائیلست) و هم‌چنین میفرمایند مبغوض مرا محبوب خود دانسته‌اید و دشمن مرا دوست خود گرفته‌اید و هم‌چنین میفرمایند صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزداید من اراد ان یأنس مع اللّه فلیأنس مع احبّائه و من اراد ان یسمع کلام اللّه فلیسمع کلمات اصفیائه و هم‌چنین میفرمایند با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جان را بنار حسبان تبدیل نماید اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کفّ ساقی خلد نوشیده‌اند و هم‌چنین میفرمایند رأس الذّلّة هو الخروج عن ظلّ الرّحمن و الدّخول فی ظلّ الشّیطان و هم‌چنین میفرمایند ای عباد نیست در این قلب مگر تجلّیات انوار صبح لقا و تکلّم نمینماید مگر بر حقّ خالص از پروردگار شما پس متابعت نفس ننمائید و عهد اللّه را نشکنید و نقض میثاق مکنید باستقامت تمام بدل و قلب و زبان باو توجّه نمائید و نباشید از بیخردان و هم‌چنین میفرمایند انتم نسیتم عهد اللّه و نقضتم میثاقه و هم‌چنین میفرماید ان جآءکم احد بکتاب الفجّار دعوه ورائکم من النّاس من نقض المیثاق و منهم من اتّبع ما امر من لدن علیم حکیم لیس ضرّی سجنی و بلائی و ما یرد علیّ من طغاة عبادی بل عمل الّذین ینسبون انفسهم الی هذا المظلوم و یرتکبون ما تضیع به حرمة اللّه بین خلقه الا انّهم من المفسدین و هم‌چنین از لسان ناقضین میفرماید قد جعلت المنابر لذکرک و ارتفاع کلمتک و اظهار امرک و انّی ارتقیت علیها لاعلآء نقض عهدک و میثاقک و هم‌چنین میفرمایند خذوا ما امرتم به و لا تتّبعوا الّذین نقضوا عهد اللّه و میثاقه الا انّهم من اهل الضّلال و هم‌چنین میفرمایند انّ الّذین نکثوا عهد اللّه فی اوامره و نکصوا علی اعقابهم اولئک من اهل الضّلال لدی الغنیّ المتعال و هم‌چنین میفرمایند انّ الّذین وفوا بمیثاق اللّه اولئک من اعلی الخلق لدی الحقّ المتعال انّ الّذین غفلوا اولئک من اهل النّار عند ربّک العزیز المختار و هم‌چنین میفرمایند طوبی لعبد آمن و لأمة آمنت و ویل للمشرکین الّذین نقضوا عهد اللّه و میثاقه و اعرضوا عن صراطی المستقیم و هم‌چنین میفرمایند اسألک ان لا تخیّبنی عمّا عندک و ما قدّرته لخیرتک الّذین ما نقضوا عهدک و میثاقک قل موتوا بغیظکم قد اتی من ارتعدت به فرائص العالم و زلّت به الأقدام الّا الّذین ما نقضوا عهدهم و اتّبعوا ما انزله اللّه فی الکتاب و هم‌چنین میفرمایند انّ الّذی تزیّن بردآء الوفآء بین الأرض و السّمآء یصلّی علیه الملأ الأعلی و الّذی نقض العهد یلعنه الملک و الملکوت و هم‌چنین میفرمایند خذ ما نزل لک بقوّة تعجز عنها ایادی الکفّار الّذین نقضوا میثاق اللّه و عهده و اعرضوا عن الوجه و هم‌چنین میفرمایند یا یحیی قد اتی الکتاب خذه بقوّة من لدنّا و لا تتّبع الّذین نقضوا میثاق اللّه و عهده و کفروا بما نزل من لدن مقتدر علّام و هم‌چنین میفرمایند قد اصبحت الیوم یا الهی فی جوار رحمتک الکبری و اخذت القلم لأذکرک بحولک بذکر یکون بمنزلة النّور للأحرار و بمثابة النّار للأشرار الّذین نقضوا میثاقک و اعرضوا عن آیاتک و نبذوا عن ورائهم کوثر الحیوان الّذی ظهر بأمرک و جری من اصبع ارادتک و هم‌چنین در توقیعی به عبدالبهآء میفرمایند یا غصنی الأعظم قد حضر لدی المظلوم کتابک و سمعنا ما ناجیت به اللّه ربّ العالمین انّا جعلناک حرزاً للعالمین و حفظاً لمن فی السّموات و الأرضین و حصناً لمن آمن باللّه الفرد الخبیر نسأل اللّه بأن یحفظهم بک و یغنیهم بک و یرزقهم بک و یلهمک ما یکون مطلع الغنی لأهل الانشآء و بحر الکرم لمن فی العالم و مشرق الفضل علی الأمم انّه لهو المقتدر العلیم الحکیم و نسأله بأن یسقی بک الأرض و ما علیها لتنبت منها کلأ الحکمة و البیان و سنبلات العلم و العرفان انّه ولیّ من والاه و معین من ناجاه لا اله الّا هو العزیز الحمید

این لوح مرقوم نگردد زیرا بعضی غلوّ خواهند نمود

 و هم‌چنین در توقیعی به عبدالبهآء میفرمایند یا الهی هذا غصن انشعب من دوحة فردانیّتک و سدرة وحدانیّتک تراه یا الهی ناظراً الیک و متمسّکاً بحبل الطافک فاحفظه فی جوار رحمتک انت تعلم یا الهی انّی ما اریده الّا بما اردته و ما اخترته الّا بما اصطفیته فانصره بجنود ارضک و سمائک و انصر یا الهی من نصره ثمّ اختر من اختاره و ایّد من اقبل الیه ثمّ اخذل من انکره و لم ‌یرده ای ربّ تری حین الوحی یتحرّک قلمی و ترتعش ارکانی اسألک بولهی فی حبّک و شوقی فی اظهار امرک بأن تقدّر له و لمحبّیه ما قدّرته لسفرائک و امنآء وحیک انّک انت اللّه المقتدر القدیر تاللّه یا قوم یبکی عینی و عین علیّ فی رفیق الأعلی و یضجّ قلبی و قلب محمّد فی سرادق الأبهی و یصیح فؤادی و افئدة المرسلین عند اولی النّهی ان انتم من النّاظرین لم ‌یکن حزنی من نفسی بل علی الّذی یأتی من بعدی فی ظلل الأمر بسلطان لائح مبین لأنّ هؤلآء لا یرضون بظهوره و ینکرون آیاته و یجحدون بسلطانه و یحاربون بنفسه و یخادعون فی امره کما فعلوا بنفسه فی تلک الأیّام و کنتم من الشّاهدین و هم‌چنین در توقیعی به عبدالبهآء میفرمایند یا غصن اعظم لعمر اللّه نوازلک کدّرتنی ولکنّ اللّه یشفیک و یحفظک و هو خیر کریم و احسن معین و البهآء علیک و علی من یخدمک و یطوف حولک و الویل و العذاب لمن یخالفک و یؤذیک طوبی لمن والاک و السّقر لمن عاداک و هم‌چنین میفرمایند هل یمکن بعد اشراق شمس وصیّتک من افق اکبر الواحک تزلّ قدم احد عن صراطک المستقیم قلنا یا قلمی الأعلی ینبغی لک ان تشتغل بما امرت من لدی اللّه العلیّ العظیم لا تسأل عمّا یذوب به قلبک و قلوب اهل الفردوس الّذین طافوا حول امری البدیع لا ینبغی لک بأن تطّلع علی ما سترناه عنک انّ ربّک لهو السّتّار العلیم توجّه بوجهک الأنور الی المنظر الأکبر و قل یا الهی الرّحمن زیّن سمآء البیان بأنجم الاستقامة و الأمانة و الصّدق انّک انت المقتدر علی ما تشآء لا اله الّا انت المدبّر الکریم

 باری از این بیانات مبارک و بیانات حضرت مسیح واضح و ثابت و محقّق شد که انسان باید با نفوسی که بر عهد و میثاق ثابتند معاشرت نماید و با ابرار الفت کند زیرا قرین سوء سبب میشود که سوء اخلاق سرایت مینماید نظیر مرض جذام که ممکن نیست انسان با مجذوم الفت و معاشرت نماید و مرض جذام سرایت نکند این بجهت حفظ و صیانت است این نصّ انجیل را ملاحظه کنید که برادران حضرت مسیح آمدند نزد حضرت مسیح عرض کردند که اینها برادران شما هستند فرمودند که برادران من نفوسی هستند که مؤمن بخدا هستند و قبول ننمودند که با برادران معاشرت و مجالست نمایند بهم‌چنین قرّة‌العین که معروف آفاق است وقتی که مؤمن بخدا شد و منجذب بنفحات الهی گشت از دو پسر بزرگ خویش بیزار شد زیرا مؤمن نشدند و دیگر ابداً با آنها ملاقات نکرد و حال آنکه دو اولاد رشید او بودند و میگفت که احبّای الهی جمیع پسران من هستند ولی این دو ابداً پسر من نیستند و بیزارم ملاحظه نمائید که باغبان الهی شاخهٴ خشک و یا ضعیف را از شجرهٴ طیّبه قطع مینماید و شاخ درخت دیگر را باین شجره پیوند مینماید هم فصل میکند و هم وصل میکند اینست که حضرت مسیح میفرماید که از جمیع آفاق میآیند و داخل در ملکوت میشوند و ابناء ملکوت از ملکوت خارج میشوند نوهٴ نوح کنعان در نزد نوح مردود بود و دیگران مقبول برادران جمال مبارک از جمال مبارک منفصل شدند و ابداً جمال مبارک با آنها ملاقات نمیفرمودند و هذا فراق بینی و بینکم میفرمودند جمیع اینها نه این بود که جمال مبارک استبداد مجرا میداشتند ولی اینها باعمال و افعال و اقوال خود از الطاف و عنایات مبارک محروم ماندند حضرت مسیح در قضیّهٴ یهوذای اسخریوطی و برادران خویش استبداد مجرا نداشتند ولی آنان خود را محروم نمودند باری مقصود اینست که عبدالبهآء بی‌نهایت مهربانست ولی مرض مرض جذام است چه کند همچنان که در امراض جسمانی باید معاشرت و سرایت را منع کرد و قوانین حفظ الصّحّة را مجرا داشت زیرا امراض ساریهٴ جسمانی بنیان بشر را براندازد بهم‌چنین باید نفوس مبارکه را از روایح کریهه و امراض مهلکهٴ روحانی محافظه و صیانت کرد والّا نقض نظیر مرض طاعون سرایت میکند و کل هلاک میشوند در بدایت صعود مبارک مرکز نقض تنها بود بعد کم‌کم سرایت کرد و این بسبب الفت و معاشرت واقع شد

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۶ مه ۲۰۲۴، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر

1. ١ رقم ٩ بر طبق حساب ابجد معادل عددی کلمه ”بهاء“ است. [↑](#footnote-ref-1)